

## قانون اساسی ایران و اصل برائت

آنچه در پی می آید گزیده‌ای است از مقاله‌ای با عنوان «قانون اساسی ایران و اصل برائت» که در ۶ بخش با عناوین «سابقه تاریخی بحث»، «مفهوم اصل برائت»، «مبانی اصل برائت»، «جایگاه اصل برائت» و «آثار اصل برائت» و «اصل برائت در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی» تنظیم شده و پیش از این در نشریه حقوق اساسی (زمستان ۱۳۸۵) انتشار یافته و در این نوشته تنها می‌بخت «اصل برائت در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی» آمده است.

آن را به نحو گسترده‌ای از اصلاحیه‌های پنجم، ششم و چهاردهم قانون اساسی امریکا استنباط کرد. (ویکی پدیا)

ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز در این مورد بیان می‌دارد: «هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم کیفری می‌شود حق دارد که بیگناه فرض شود مگر این که تقصیرش، مطابق قانون در یک دادگاه علنی که در آن تمامی تضمینات لازم برای دفاع پیش‌بینی شده باشد، ثابت شود.»

بند ۲ ماده ۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر می‌دارد: «هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم کیفری می‌شود حق دارد که بیگناه فرض شود مگر این که گناهکاری‌اش اثبات شود.»

بند ۲ ماده ۶ کنوانسیون مربوط به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شورای اروپا نیز در این مورد مقرر می‌دارد: «هر شخصی که متهم به ارتکاب یک جرم کیفری می‌شود بیگناه فرض می‌شود مگر این که تقصیرش مطابق قانون به اثبات برسد. این کنوانسیون به‌غنوان عهدنامه پذیرفته شده و برای تمامی اعضای شورای اروپا و از جمله کشورهای عضو اتحادیه اروپا لازم‌الاجراست. ماده ۸ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر نیز مقرر می‌دارد: «هر شخصی که متهم به ارتکاب جرم مهمی (Serious Crime) شود حق دارد تا زمانی که گناهکاریش طبق قانون اثبات نشده است بیگناه فرض شود.» بند ۱ ماده ۷ منشور آفریقایی حقوق بشر نیز مقرر می‌دارد: «هر

پذیرش فرض برائت پذیرش قاعده تکلیف مدعی به اثبات ادعا (البینه علی المدعی) است.

اصل برائت در اسناد بین‌المللی اصل برائت از جایگاه ممتازی در حقوق کشورهای مختلف و نیز اسناد بین‌المللی برخوردار است، ولی برخلاف حقوق ایران که در آن به اصل برائت اشاره شده و اصل ۲۷ قانون اساسی به آن تصریح کرده است، در حقوق کشورهای غربی به جای اصل برائت، فرض برائت مورد توجه قرار گرفته است. مبنای فرض برائت اوضاع و احوال است و به این اعتبار هر جا که اوضاع و احوال خلاف فرض مزبور وجود داشته باشد فرض برائت جای خود را به فرض مجرمیت می‌دهد.

بخش ۱۱ منشور حقوق و آزادی‌های کانادا در این مورد اعلام می‌دارد: «هر متهمی حق دارد که بیگناه فرض شود مگر این که تقصیر او مطابق قانون در یک دادرسی عادلانه و علنی به وسیله یک دادگاه مستقل و بی طرف به اثبات برسد.»

ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر و شهروندی که دارای ارزش قانون اساسی است مقرر می‌دارد: «هر متهمی بیگناه فرض می‌شود مگر این که تقصیر وی اعلام شود» (۱) و ماده اول قانون آیین دادرسی کیفری این کشور می‌گوید: «هر شخص مظنون یا تحت تعقیب بیگناه فرض می‌شود مگر این که مجرمیتش اثبات شود.»

اگرچه قانون اساسی ایالات متحده امریکا صراحتاً به فرض برائت اشاره نمی‌کند، ولی می‌توان

یک طرف دعوای عمومی و در واقع طرف اصلی آن فردی است که به نمایندگی از سوی کل جامعه اقدام به تعقیب متهم به عنوان طرف دوم دعوای مزبوره می‌کند. طرف اصلی دعوای عمومی، حسب طبیعت نمایندگی‌اش از تمامی امکانات لازم برای تعقیب و در نهایت به مجازات رساندن متهم برخوردار است و برای این منظور قوای قهریه لازم را برای احضار، جلب متهم و به اجرا گذاشتن مجازات در مورد وی در اختیار دارد، ولی متهم در مقابل تمامی امکاناتی که دادستان از آن برخوردار است، فقط از یک امکان برخوردار است و این امکان به اصل برائت تعبیر می‌شود که قانون اساسی ایران در اصل ۳۷ خود به آن تصریح کرده است. افزون بر اصل مزبور، اصول دیگری نیز در ارتباط با اصل برائت در قانون اساسی وجود دارند. در این مقاله مفهوم، مبانی و آثار اصل مزبور و کیفیت حمایت از آن در حقوق ایران و بویژه قانون اساسی مورد بررسی قرار گرفته است.

تحقق دادرسی عادلانه (Fair Trial) مستلزم رعایت پاره‌ای تشریفات خاص است و برای این که دادرسی عادلانه تلقی شود لازم است اصول متضمن رعایت حقوق دفاعی متهم از یک سو و اصول متضمن رعایت حقوق دفاعی شاکی از دیگر سو رعایت شود. رعایت حقوق دفاعی متهم رکن اصلی دادرسی عادلانه می‌باشد. اولین رکن این حق نیز پذیرش فرض برائت، هم در مرحله تقنینی و هم در مرحله اثباتی (قضایی) است و از شرایط اساسی

اسفند ۱۳۸۸ و فروردین ۱۳۸۹

فردی حق دارد که بیگناه فرض شود مگر این که گناهکاریش به موجب قانون توسط دادگاه صالح اثبات شود. با این کیفیت تردیدی در پذیرش جهانی اصل برائت وجود ندارد.

ولی به نظر می‌رسد، در حقوق ایران نمی‌توان همانند حقوق غرب به راحتی از اصل برائت عدول کرد. تنها در صورتی می‌توان از اصل برائت چشم پوشید که دلیل قانع کننده‌ای که برای قاضی ایجاد قناعت وجدانی کند وجود داشته باشد و گر نه قاضی مکلف است به حکم اصل ۳۷ قانون اساسی، قرار منع تعقیب یا حکم برائت صادر کند. البته نباید تصور کرد که منظور از دلیل، دلیلی است که کاملاً ایجاد یقین کند، چون قاضی باید قناعت وجدانی حاصل کند که اصطلاحاً از آن به ظن متاخم به یقین تعبیر می‌شود. پس به اعتبار هر گونه تردیدی نمی‌توان اصل برائت را جاری کرد، چون همیشه ممکن است تردیدی به نفع متهم وجود داشته باشد، ولی تنها تردیدی به نفع متهم تعبیر می‌شود که قابل اعتنا باشد و نمی‌توان به اعتبار تردیدهای غیر قابل اعتنا اصل برائت را جاری کرد و به این ترتیب زمینه‌های مجرم‌آزری را مسئولیت کیفری را فراهم نمود.

به عبارت دیگر کافی است دلایل ارائه شده از سوی متهم ایجاد شک و تردید در ضمیر قضات کند، یعنی متهم تکلیف ندارد که آن قدر دلیل بر بیگناهی خود ارائه دهد که موجب علم و اقناع وجدان قاضی شود؛ همین قدر کافی است که وی در اذهان قضات نسبت به گناهکاری خود ایجاد شک و تردید کند. در این صورت قضات مکلفند شک یاد شده را به سود وی تعبیر و متهم را از اتهام وارده تبرئه کنند و حال آن که مقام تعقیب موظف است آن قدر دلیل بر گناهکاری متهم (یعنی نفی اصل برائت) ارائه دهد که به اقناع وجدان قضات دال بر برهنگاری متهم شود. (۱۲)

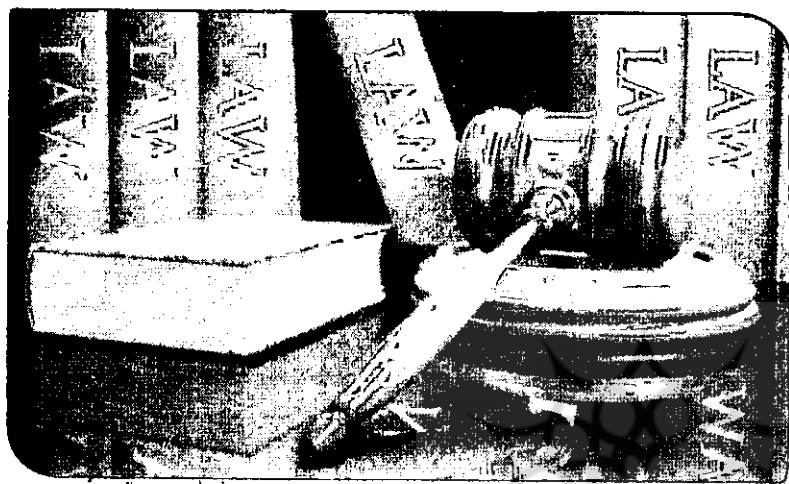
اصل برائت در قانون اساسی ایران افزون بر اصل ۳۷ قانون اساسی که به روشنی به اصل برائت اشاره کرده است، اصول دیگری از قانون اساسی نیز به این اصل یا آثار آن اشاره کرده‌اند. اصل ۳۶ که متضمن اصل قانونی بودن جرم و مجازات و دادرسی است، بیانی دیگر از اصل برائت است، چون همان گونه که گفته شد، هر گاه در جرم بودن یا نبودن عمل دچار تردید شویم باید مبنای بر جرم نبودن عمل بگذاریم و این یکی از حقوق اصل برائت است که در قالب اصل قانونی بودن جرم و مجازات بیان می‌شود.

طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی نیز با احکام دادگاه‌ها

باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است. از این اصل نیز می‌توان اصل برائت را استنباط کرد. چون دادگاه در مقام صدور حکم محکومیت قصد کنار گذاشتن اصل برائت را دارد باید دلایلی معارض اصل برائت ارائه شود تا بتوان بر خلاف اصل برائت متهم را محکوم کرد، و گر نه با فقدان دلایل توجیهی عدول از اصل برائت، باید بر مبتنای اصل مزبور حکم به برائت افسراد صادر کرد و به این اعتبار

گرفت. به عبارت دیگر، مصونیت افراد به حکم قانون تا زمانی است که مرتکب عمل خلاف قانون نشده باشند و به محض ارتکاب عمل خلاف قانون و اثبات آن در مرجع صالح، مصونیت آنان مخدوش می‌شود.

اصل ۲۵ قانون اساسی نیز به مصونیت ارتباطات تلفنی و نامه‌ای افراد تصریح و تلویحاً به اصل برائت اشاره کرده است. وجه ارتباط این اصل با اصل برائت آن است که افراد در پناه اصل برائت از



حمایت قانونی در موارد ارتباطات خود برخوردارند و گر نه با فرض مجرمیت آنان همه ارتباطات آن تحت کنترل قرار می‌گرفت. به عبارت دیگر، اگر مقنن فرض برائت را قبول نداشت مقرر می‌داشت تمامی ارتباطات افراد برای کشف جرایم احتمالی تحت کنترل قرار می‌گرفت، ولی باید پذیرش اصل برائت به افراد جامعه این اطمینان خاطر را داد که جز در موارد مقرر در قانون که تفصیل آن در قانون آیین دادرسی کیفری ذکر شده بازرسی ارتباطات آنان ممنوع است.

به نظر می‌رسد اصل ۳۲ قانون اساسی ارتباط تنگاتنگی با اصل برائت داشته باشد، چه، حسب این اصل هیچ کس رانمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر به مدت ۲۴ ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم شود. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. وجه ارتباط نزدیک این اصل با اصل برائت آن است که چون افراد میرا از هر گونه اتهامی محسوب می‌شوند و اصل و قاعده بر آن

می‌توان احکام برائت را از نوع اعلامی تلقی کرده انشایی، چون خالق وضعیت جدیدی نیست، بلکه وضعیت موجود را اعلام می‌کند. بر عکس احکام محکومیت را باید از نوع انشایی تلقی کرد، از این نظر که بر خلاف اصل برائت، وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کنند.

در اصل ۲۲ قانون اساسی نیز به برائت افراد از هر گونه تعرض تصریح شده است. امتیاز این اصل آن است که تصریحی به برائت تمامی افراد (نه تنها متهمان) از هر گونه اشتغال ذمه اعم از کیفری و مدنی دارد. به این اعتبار، افراد جامعه در تمامی شئون اجتماعی خود در برخورد با افراد دیگر، اعم از مأموران دولتی یا غیر دولتی و حتی افراد عادی، بری تلقی می‌شوند و هیچ کس نمی‌تواند تعرض آنان شود.

البته نباید از بخش اخیر اصل ۲۲ قانون اساسی (مگر در مواردی که قانون تجویز کند) استنباط کرد که قانون نگذار اساسی به قانونگذار عادی اجازه عدول از اصل برائت و رجوع به اصل مجرمیت را داده است. منظور بخش اخیر اصل ۲۲ آن است که در صورتی که افراد برخلاف قانون مرتکب عمل مجرمانه شوند می‌توان مصونیت آنان را نادیده

است که مرتکب جرمی نشده‌اند مگر این که با دلایل در مرجع قضایی صالح اتهام منتسب اثبات شود، از این رو نمی‌توان افراد را بدون مجوز قانونی بازداشت کرد و حتی اگر با مجوز قانونی دستور بازداشت کسی صادر شده باشد، باید حقوق وی در اسرع وقت رعایت شود. البته باید توجه داشت که در مرحله تحقیقات مقدماتی که هنوز اتهام شخص اثبات نشده بازداشت افراد، مخالف اصل برائت تلقی می‌شود، ولی عملاً در این مرحله امکان رعایت کامل اصل برائت وجود ندارد و باید آن را استثنایی بر اصل کلی که به مقتضای ضرورت چاره‌ای جز آن نیست تلقی کرد، ولی باید توجه داشت که تا حد امکان باید از توسل به استننا اجتناب نمود.

با توجه به این که یکی از آثار اصل برائت عدم الزام افراد به اقرار علیه خود و عدم الزام آنان به پاسخگویی به پرسش‌های مطروحه علیه خود است (حق سکوت)، قانون اساسی در اصل ۳۸ خود به این مهم توجه کرده و مقرر داشته است هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت، اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود و در ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی برای متخلفان از اصل ۳۸ مجازات تعیین شده است.

#### نتیجه‌گیری

قانون اساسی ایران به تبعیت از فقه اسلامی که در آن به اصل اباحه به عنوان مبنای جواز اعمال تصریح و تأکید شده و نیز به تاسی از کنوانسیون‌ها و مقررات

بین‌المللی اصل برائت را مورد توجه قرار داده است. گفته شد که هر چند در فقه اسلامی از اصل برائت یاد شده، ولی نباید آن را با اصل برائت به معنای مصطلح در حقوق مرادف دانست. پیش‌بینی این اصل در قانون اساسی ایران، صرف نظر از این که مبنای پذیرش آن فقه یا حقوق خارجی باشد، از نقاط قوت قانون اساسی به شمار می‌رود و باید آن را نشانه اهمیتی تلقی کرد که قانون‌نگذار اساسی ایران به اصل برائت داشته است.

امروزه اصل برائت از حقوق اساسی افراد به شمار می‌رود. اساسی بودن این حق از آنجائیکه می‌شود که اولین و اصلی‌ترین حامی افراد در مقابل دستگاه حاکمه تلقی می‌شود، متهم در پناه آن از احضار بدون دلیل ممنوع است. (۲) از حق سکوت، از حق داشتن وکیل، از ممنوعیت شکنجه برای اخذ اقرار، از استثنایی بودن موارد سلب آزادی قبل از اثبات اتهام، از حق رسیدگی توسط قاضی و دادگاه صالح و... برخوردار است. این حقوق که مبتنی بر پذیرش اصل اولیه برائت است در قانون اساسی ایران مورد توجه قرار گرفته‌اند و کیفیات آن را قوانین عادی تعیین می‌کنند. قوانین عادی در برخی موارد برای عدم رعایت این حقوق ضمانت اجرای کیفری و در برخی موارد ضمانت اجرای اداری یا انتظامی تعیین کرده‌اند و طبیعی است که به حکم قواعد عام حقوقی هر کسی برخلاف قانون، خسارتی به کسی وارد کند مسئول جبران خسارات وارد خواهد بود، بنابراین ضمانت اجرای مدنی نیز می‌تواند وجود داشته باشد. ولی نباید تصور کرد که اصل برائت به نحو مندرج در قانون اساسی و حمایت‌های مندرج

در قوانین عادی، متهم را به طور کامل تحت حمایت خود قرار می‌دهند. تحولاتی که در طول زمان در مورد نحوه ارتکاب جرایم ایجاد شده و در برخی موارد اثبات خلاف اصل برائت را برای دادستان سخت یا غیرممکن ساخته است، قانون‌نگذار عادی را ناچار از عدول از اصل برائت در برخی موارد نموده است. این که موارد مزبور خلاف اصل برائت تلقی می‌شوند یا نه از حوصله این مقاله خارج است و باید در فرصتی دیگر به آن پرداخت.

استاد یار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

#### پی‌نوشت:

۱. منظور اعلام طی حکم دادگاه است.
۲. دکتر محمد آشوری، عدالت کیفری (مجموعه مقالات)، تهران، گلچین دانش، ۱۳۷۶، ص ۱۵۱.
۳. طبق ماده ۱۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر این که دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد. نباید تصور کرد که منظور قانون‌نگذار از عبارت «دلیل» در این ماده دلیل مستوجب محکومیت است، بلکه همان گونه که خود ماده تصریح دارد وجود دلیل بر احضار است. اگر عبارت «دلیل» را حمل بر وجود دلیل محکومیت بدانیم، صرف نظر از این که برخلاف منظور صریح قانون‌نگذار عمل کرده‌ایم نتیجه این خواهد بود که انتظار داشته باشیم هر کسی که احضار می‌شود الزماً باید مجرم شناخته شود، بنابراین نباید به گونه‌ای عمل شود که به بهانه اصل برائت، حقوق شاکی نیز نادیده گرفته شود و نظم عمومی جامعه لطمه بخورد، این استنباط را مواد دیگری (مواد ۶۵ و ۷۰) از قانون مزبور تأیید می‌نمایند.



«خطر نبرد هسته‌ای نوین  
پدیده‌آورنده: دکتر هلن کالدیکات  
برگردان و پژوهش: دکتر احمد علی رجایی

و مهین سروری

انتشارات قلم، چاپ اول ۱۳۸۸

قیمت: ۹۵۰۰ تومان

تلفن تماس ۸۸۸۲۹۳۶۴ - ۰۲۱



فلسفه تجربه گرا

نویسنده: جورج نواک

مترجم: پرویز بابایی

انتشارات آزاد مهر، چاپ اول ۱۳۸۴

قیمت: ۱۶۰۰ تومان

تلفن تماس ۶۶۹۶۹۱۸ - ۰۲۱

در فصول گوناگون این کتاب و اسناد و منابع مورد اشاره و... پژوهشگران و خوانندگان به آگاهی‌هایی در زمینه خطرات گوناگونی که نظام شکننده جهان معاصر را مورد تهدید قرار داده، دست می‌یابند. خواندن این کتاب برای هر ایرانی علاقمند به سر نوشت کشور ضروری است، چرا که در دهکده جهانی، سر نوشت ملت‌های مختلف جهان، پیش از هر زمان به یکدیگر گره خورده است.

این کتاب به بررسی تاریخی فلسفه تجربه‌گرا از یکن و لاک تا تازه‌ترین تجلیات آن در آثار کارل پوپر می‌پردازد. این پیش در آمدی و روش سوسیالیستی رویکرد به تاریخ اندیشه‌ها و جوامع نقد چالشی از پراگماتیسم و پوزیو فلسفه جان دیویی است.